نگاهی بر daneben و danach

written by مرتضی غلام نژاد | می 26, 2016

سلام دوستان در این درس می خواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به کاربرد danach و daneben در جملات آلمانی

فرض کنید می خواهیم آدرسی را به کسی بدهیم ، مثلا :

تو آن خیابان را مستقیم میروی تا به یک داروخانه برسی و سمت چپ در همان نزدیکی آن سینما است.

اگر توجه کرده باشید در بخش دوم جمله به جایی اینکه ما دوباره تکرار کنیم (در نزدیکی همان داروخانه) در بخش دوم آمدیم گفتیم (در همان نزدیکی) یعنی (در همان نزدیکی) در بخش دوم جمله ما جایگزینه (در نزدیکی همان داروخانه) شد و اشاره ی نیز به بخش اول جمله داشت.

جالب است که بدانید این اتفاق در جملات آلمانی نیز به همین گونه است.

همین مثال در زبان آلمانی

Du gehst die Straße geradeaus bis zu einer Apotheke, und links daneben ist das Kino

در اینجا نیز daneben جایگزینه einer Apotheke شده است و اشاره ی نیز به آن دارد.

مفهموم daneben در فارسی :

نزدیک آن ، در کنار آن ، جنب آن ، در جوار آن ، در همان نزدیکی

مفاهیم بالا کاملا کاربردی مشابه در زبان آلمانی دارند

حال فرض کنید کسی از ما می پرسد که ما می بایستی به سینما برویم ؟ و ما میخواهیم به او بگوییم : نه ، من باید ابتدا چیزی بخورم پس از آن ما می توانیم به سینما برویم.

که در اینجا نیز (پس از آن) جایگزینه (ابتدا چیزی بخورم) در بخش دوم جمله شده است و اشاره ی نیز آن داشته است.

همین مثال در آلمانی :

Sollen wir ins Kino gehen?
Nein, ich muss erst etwas essen, danach können wir gehen

همانطور که می بینید در اینجا danach نیز جایگزینه erst etwas essen شده است و اشاره ی نیز به آن داشته است و از تکرارش جلوگیری کرده.

مفهوم danach در زبان فارسی :
در مورد آن ، درباره ی آن ، در آن , بعداً ، سپس ، پس از آن ، بعد از آن . بر طبق ، بر اساس ، متناسب با

مفاهیم بالا کاملا کاربردی مشابه در زبان آلمانی دارند

دیگر کاربردهای daneben :

Das Haus links daneben
آن خانه در همان نزدیکی سمت چپ

Der Schalter muss direkt daneben sein

کلید برق باید درست در همان نزدیکی باشد.

Auf dem Tisch liegen Bücher, daneben steht eine Vase

به روی آن میز کتاب ها قرار دارند ، در آن نزدیکی یک گلدان وجود دارد.

Das Paket liegt auf dem Tisch, daneben die Rechnung

آن پاکت به روی میز قرار دارد ، در نزدیکی آن صورت حساب.
دیگر کاربردهای danach :

Er hatte die Deutschprüfung bestanden, danach begann er mit seinem Studium

او امتحان آلمانی اش را قبول شده بود ،بعد از آن تحصیلش را شروع کرد.

Eine halbe Stunde danach kam er wieder

بعد از نیم ساعت او دوباره آمد.

Sie werden danach streben

پس از آن خواهید مُرد.
Zuerst muss er seine Arbeiten erledigen. Danach kann er sich mit einem guten Buch entspannen

در ابتدا او باید کارش را به پایان برساند ، پس از آن می تواند او با یک کتاب خوب آرامش یابد.

entspannen
از هیجان و تنش ها کاستن ، ریلکس کردن ، آرامش یافتن ، استراحت نمودن

چنانچه شما هم در ارتباط با این درس نظر ، انتقاد یا پیشنهادی دارید ، می توانید در بخش نظرات آنرا درج کنید.

موفق باشید.